کاهش قیمت نفت، مشکل تر از پرداخت ها

مهدویان، هادی

از ابتدای دهه پنجاه شمسی که‏ بهای نفت سه برابر شد،بودجه‏ کشور با تاخیر کوتاهی تابعی‏ از چرخه‏های افزایش و کاهش‏ قیمت نفت بوده است‏ چرخه معیوب انطباق بودجه با سیکل قیمت نفت‏ بار دیگر و بسیار زود حرکت خود را آغاز کرده است‏

کاهش قیمت نفت، مشکل تراز پرداخت‏ها

هادی مهدویان‏ باید به دو مطلب اساسی توجه داشت:نخست،روند رشد کارآیی در مصرف انرژی در سطح جهان به طور کلی و در کشورهای صنعتی به طور اخص،که با رشد قیمت نسبی انرژی طی دهه‏های گذشته همواره اتفاق‏ افتاده و اکنون نیز در حال وقوع است.و دوم،آثار زیان بار اتکاء بودجه و اقتصاد ملی به نفت و درآمدهای نفتی که‏ در اواخر 1384 آغاز شد و در سال 1385 نیز با آن مواجهیم.

در خصوص مطلب اول مباحثی همچون بهبود فناوری‏ مصرف انرژی،افزایش کارآیی مصرف و روند صرفه‏جویی در مصرف انرژی در دو سه دهه گذشته در میان است.ابتدای سال گذشته مسیحی،جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در کنگره، موضوع انرژی و بر اساس این دیدگاه‏ها استراتژی‏ها سرمایه‏گذاری آمریکا روی منابع جهت بهبود تکنولوژی‏ مصرف انرژی و افزایش کارآیی انرژی.در سخنرانی‏ بوش در کنگره در سال گذشته این مباحث به سود سرمایه‏گذاری در بهبود تکنولوژی مصرف قطعی شد. در آن سخنرانی بوش گفت که ما اتکا زیادی به نفت‏ خاورمیانه داریم و باید در یک دوره زمانی معقول این‏ اتکا را کاهش دهیم.در بودجه سال گذشته آمریکا نیز چند درصد میلیارد دلار برای صرفه‏جویی و بهبود تکنولوژی مصرف انرژی اختصاص یافت.

البته این رویکرد،یعنی بهبود و ارتقاءفناوری مصرف‏ انرژی در کشورهای بزرگ غربی در دهه‏های گذشته به‏ صورت تلویحی و خزنده وجود داشته است.اگر به میزان‏ مصرف انرژی در کشورهای بزرگ غربی در سه دهه‏ گذشته توجه کنیم در می‏یابیم به ازاری هر یک هزار دلار تولید،مصرف انرژی به تناسب یک به دو و یک به سه‏ کاهش یافته است است.یعنی اکنون برای هر یک هزار دلار تولید ملی،تنها یک بشکه و شاید کمتر از آن نفت‏ مصرف می‏شود.در حالی که سه دهه قبل این رقم دو بلکه سه بشکه نفت خام بود.این مقوله یعنی بهبود کارآیی‏ مصرف انرژی،موضوع چین و آمریکا و کشورهای‏ دیگر نیست.یعنی وقتی مصرف،کارآ می‏شود،تأثیر خود را بر فناوری تولید بر جای می‏گذارد و به مرور تثبیت می‏شود.این رونداصلاح و بهبود مصرف انرژی‏ در همه جای دنیا صادق است و جز در مورد چند کشور نفت خیز،در همه کشورهای جهان رخ داده است. تکنولوژی جهان صنعتی همین است و محتوای انرژی‏ در میزان تولید و رشد به طور مرتب و مضاعف تقلیل‏ یافته،کم می‏شود.

در این میان به نکته دیگری نیز باید توجه داشت و آن‏ اینکه ممکن است،چندان که می‏اندیشیم،جهان برای‏ بازگشت رشد اقتصادی،نیازمند رشد فوق‏العاده تولید انرژی نباشد.بر اساس روندهای تاریخی،رشد کارآیی‏ مصرف انرژی سقف ندارد و بنابراین افزایش رشد تولید با سطح مصرف کنونی انرژی قابل دستیابی است.

درباره وضعیت بودجه نیز گفتنی است که با توجه به‏ روندی که از سال گذشته در تنظیم بودجه و مالیه دولت‏ آغاز گشته،تعادل منابع و مصارف بودجه‏ای دولت‏ بی تردید با روند کاهنده قیمت نفت،بر هم خواهد خورد. این عدم تعادل نه فقط در وضعیت مالی دولت در سال‏ آینده وجود خواهد داشت،بلکه احتمالا عدم تعادل در حوزه تراز پرداخت‏ها هم ایجاد خواهد شد.

مشکلات بخش بودجه‏ای ناشی از عدم انعطاف‏ ساختاری در بودجه است.تقریبا از ابتدای دهه‏ پنجاه‏ شمسی که بهای نفت سه برابر شد،بودجه کشور با تاخیر کوتاهی تابعی از چرخه‏های افزایش و کاهش قیمت نفت‏ بوده است.یعنی با افزایش قیمت نفت بودجه انبساطی‏ شده است و با شروع کاهش قیمت نفت،به دلیل عدم‏ امکان انقباض،تامین مالی کسر بودجه به صورت تورمی‏ یا مالیات تورمی صورت گرفته است.این سیکل در سه‏ دهه گذشته همواره در اقتصاد ایران وجود داشته است. در پنج یا شش مقطع طی سه دهه گذشته،که افزایش‏ قیمت نفت اتفاق افتاده،بودجه انبشاطی شده است و با شروع کاهش قیمت نفت،بلافاصله تامین کسری از طریق استقراض از بانک مرکزی یا افزایش نرخ ارز انجام‏ شده است.این همان پدیده‏ای است که در بخش مالیه به‏ عنوان تورم ذاتی خود را پنهان کرده است و نشان‏ می‏دهد.بدین معنی که به هنگام افزایش دارایی خارجی‏ در بانک مرکزی پایه پولی و نقدینگی را رشد می‏دهد و زمینه‏ساز تورم می‏شود و وقتی بهای نفت رو به کاهش‏ می‏گذارد،خود را به صورت کسری بودجه نشان‏ می‏دهد.نتیجه این کاهش نیز استقراض بانک مرکزی و افزایش نرخ ارز است که باز راهکارهایی تورم زایند. بنابراین تورم در ساختار مالیه دولت نهفته است و باید در آینده نیز انتظار فعال شدن آن را داشت.تنها در برهه‏ای‏ از برنامه سوم به سبب وجود صندوق ذخیره مازاد درآمد نفتی وقفه کوتاهی در آن روند ایجاد شد.در واقع افزایش‏ درآمد نفت طی دو،سه سال به این صندوق ریخته شد. به این ترتیب در سال‏های 79،80،81 حجم قابل توجهی مازاد در صندوق جمع شد و در نتیجه کشور از تجربه‏ مکرر انطباق بودجه با چرخه‏های افت و خیز بهای نفت‏ فاصله گرفت.اما با روی کار آمدن دولت جناب آقای‏ احمدی‏نژاد این انطباق بودجه با سیکل قیمت نفت بار دیگر و بسایر زود از سر گرفته شد.عجیب آنکه برداشت‏ از حساب صندوق ارزی در حالی صورت گرفت که‏ قیمت نفت در اوج خود قرار داشت.در نتیجه انبساط انفجارگونه‏ای در بودجه رخ داد و همین امر است که اکنون‏ و با توجه قیمت فعلی نفت،بستن بودجه سال 86 را بسایر دشوار کرده است.فارغ از اینکه بودجه چگونه بسته شود همواره شاهد شکاف میان تحولات بودجه‏ای واقعی و بودجه تصویبی بوده‏ایم.اکنون نیز آشکارا با این پدیده‏ مواجهیم.بودجه عمرانی دولت در سال 85 تاکنون 60 درصد عمل کرده است.مجلس نیز در حالی که با برداشت‏ ذخیره موافق نیست،اجازه جا به جایی ردیف‏ها را داده‏ است.بنابراین 30 تا 40 هزار میلیارد عقب‏ماندگی‏ بودجه عمرانی تا پایان سال در بودجه جاری هزینه می‏شود. به این ترتیب بودجه سال 1385 به چیزی یکسره متفاوت‏ از آنچه تصویب شد تبدیل می‏شود.این امر،سال آینده به‏ درجات به مراتب بزرگ‏تری رخ خواهد داد.

در بحث تراز پرداخت‏ها نیز چنان که پیداست کشور از سال آینده دچار مشکل فاینانس خواهد شد. فاینانس‏ها از همین حالا قطع شده‏اند و حتی‏ فاینانس‏های مصوب هم ظاهرا هزینه نمی‏شوند.این‏ وضعیت در سال آینده ادامه خواهد یافت.ارقام فاینانس‏ بسیار قابل توجهند و حدود 7 تا 9 میلیارد دلار،شامل‏ بیع متقابل نفت و فاینانس پتروشیمی و سایر،برآورد می‏شوند.ما هر ساله،بسته به شرایط و اوضاع و احوال‏ از امکانات فاینانس،سرمایه‏گذاری مستقیم و بیع‏ متقابل بهره گرفته‏ایم.این جریان اکنون متوقف شده‏ است.اگر این توقف ادامه یابد با رسیدن موعد بدهی‏های کوتاه مدت و بلند مدت،هم واقعی و هم‏ بالقوه،ظرف سال آینده و سه سال بعد از آن بناچار باید همین میزان باز پرداخت کنیم.به بیان دیگر ذخایر ارزی کشور باید ظرف سه چهار سال آینده در منفی‏ حساب سرمایه صرف باز پرداخت‏ها شود.ضمن‏ اینکه یا از ورودی محروم خواهیم ماند و یا میزان آن‏ قابل توجه نخواهد بود.حساب جاری هم بر اثر روند به شدت سریع واردات و کاهش قیمت نفت دچار مشکل خواهد شد.بر این اساس و به احتمال زیاد ظرف یک تا دو سال آینده با مشکل جدی تراز پرداخت مواجه خواهیم شد.برای مقابله با این‏ وضعیت تحلیل جامع کارشناسان از موقعیت و وضعیت بسیار مفید خواهد بود.

حسین ملائک‏

چین با توسل به آنگولا واردات نفت خود را از ایران و عربستان کنترل می‏کند تولید کنندگان کوچک؛ جانشین تولید کنندگان بزرگ

آژانس بین‏المللی انرژی در یکی از گزارش‏های خود به این موضوع پرداخته است که در 10 سال گذشته در کشورهای آسیای میانه،آفریقا و آمریکای لاتین حدود 30 میلیارد دلار سرمایه‏گذاری برای اکتشافات‏ از سال 2007 به بازار انرژی وارد شود.همچنین جالب‏ است بدانیم واردات نفت چین از آنگولا در شش ماهه‏ نخست سال 2006 از عربستان سعودی،که حدود 400 هزار بشکه در روز است،پیشی گرفته است.به این ترتیب‏ چین،که به دلیل رشد چشمگیر اقتصادی و مصرف بالای‏ انرژی عامل افزایش بهای نفت به شمار می‏رود،توانست‏ منبع جدیدی بیابد و بر میزان واردات خود از کشورهای‏ ایران و عربستان که درگیر مسائل سیاسی هستند نیفزاید.

در اینجا بی مناسبت نیست که به برخی نکته‏ها درباره‏ آنگولا اشاره کنم.از این کشور هم اکنون 3/1 میلیون بشکه‏ نفت تولید می‏کند.از این میزان 456 هزار بشکه به چین‏ صادر می‏شود.این رقم تقریبا 35 درصد کل تولید آنگولا و 15 درصد واردات چین است.در عین حال آنگولا 40 درصد تولید خود را به آمریکا صادر می‏کند.

جست و جو برای یافتن منابع جدید از سوی‏ مصرف کنندگان،دارای توجیه منطقی اقتصادی است؛ امری که نه تنها باعث مهار قیمت نفت می‏شود،بلکه‏ حتی می‏تواند به کاهش بهای نفت کمک کند.در عین‏ حال باید به تحلیل‏های سیاسی اثرگذار بر قیمت نفت‏ نیز توجه داشت.برای مثال چین،به دلایل صرفا سیاسی‏ و نه اقتصادی،چندان علاقه‏ای به افزایش واردات نفت از ایران ندارد.

نکته دیگر ذخایر استراتژیک کشورهاست که تا به حال‏ در سه مرحله از آن‏ها استفاده شده است:نخست،جنگ‏ اول عراق،سپس به هنگام وقوع طوفان کاترنیا و سرانجام‏ جنگ دوم عراق.در هر دو جنگ بهای نفت کاهش یافت‏ تا شائبه افزایش قیمت نفت بر اثر بحران به وجود نیاید. در اوایل اکتبر 2006 بار دیگر قیمت نفت روندی کاهشی‏ را تجربه کرد.آن زمان هم این بحث در کنگره ایالات‏ متحده مطرح بود که احتمالا آمریکا می‏خواهد قبل از انتخابات میان دوره‏ای کنگره جنگ با ایران را شروع‏ کند.به هر حال به نظر می‏رسد که این سازمان‏ها با پیش‏بینی‏ بحران،برای جلوگیری از تاثیرات احتمالی آن‏ بر قیمت‏ها و وارد آمدن شوک بر بازار می‏کوشند قیمت‏ نفت را با توسل به هر ساز و کاری پایین نگه دارند و مانع‏ از آن شوند که در صورت وقوع بحران،نوسانات وارده‏ قیمت آن را بیشتر سطح کنونی افزایش دهد.